

نگاه امام علی (ع) درباره تربیت انسان



تربیت به معنای روش رفتاری و گفتاری دادن به غیر است. انسان در چهار محیط خانوادگی، آموزشی، شغلی و رفاقتی ساخته می‌شود که همه اینها را بحث کردم و عرض کردم که فضای پنجمی حاکم بر این چهار محیط است؛ چه بسا که انسان در آن چهار محیط ساخته شود و این فضای پنجم نقش تخریبی بر او داشته باشد و بر عکس هم همین‌طور است.

نگاه امام علی (ع) درباره تربیت انسان / پاسخ به نفس یعنی خودکشی

تربیت به معنای روش رفتاری و گفتاری دادن به غیر است. انسان در چهار محیط خانوادگی، آموزشی، شغلی و رفاقتی ساخته می‌شود که همه اینها را بحث کردم و عرض کردم که فضای پنجمی حاکم بر این چهار محیط است؛ چه بسا که انسان در آن چهار محیط ساخته شود و این فضای پنجم نقش تخریبی بر او داشته باشد و بر عکس هم همین‌طور است.

نسبت به فضای پنجم هم اشاره‌ای کردم که در جامعه دو گروه فضا ساز هستند و نسبت به این فضا سازان بحثی مطرح است که من فعلاً وارد آن نمی‌شوم، اگر چه قبلاً به مناسبت، به آن اشاره کرده‌ام.

اما آنچه که در بحث تربیت مورد نظر من است و در گذشته هم آن را تذکر دادم، این مسئله است که روش گرفتن از غیر، متوقف بر قصد روش دهنده نیست؛ یعنی اگر من بخواهم چه از نظر گفتاری و چه از نظر رفتاری از دیگری روش بگیرم، متوقف بر این نیست که او قصد کند و بخواهد به من روش دهد. چه او قصد کند و چه قصد نکند، من آن روش را می‌گیرم.

قصد روش دهنده در روش گرفتن مدخلیت ندارد، یعنی این‌طور نیست که اگر او قصد کند، روش گیرنده می‌تواند روش بگیرد و اگر او قصد نکند، دیگری نمی‌تواند از او روش بگیرد. این مطلب دقیقی است که قبلاً هم به آن اشاره کرده‌ام.

شرایط مربیان

بحث من فقط متمرکز به یک گروه است و آنها کسانی هستند که قصد می‌کنند به دیگران روش بدهند. من می‌خواهم افرادی را مطرح کنم که از آنها به مربیان تعبیر می‌کنند. مربیان یعنی روش دهندگان و تربیت کنندگانی که می‌خواهند با قصد به دیگری روش دهند. در این رابطه مطالبی را در گذشته عرض کردم، ولی الآن می‌خواهم مستقلاً بحث کنم.

کسانی که می‌خواهند در جامعه و در هر محیطی به عنوان مربی، آموزش دهنده و تربیت کننده باشند و می‌خواهند غیر را تربیت کنند، باید دارای شرایطی باشند. اولین شرط و اساسی‌ترین شرط نسبت به آنها این است که آنها باید خود ساخته باشند تا بتوانند دیگران را بسازند. ما در روایاتمان تحت عناوین مختلفی این معنا را داریم که انسان ابتدا باید خودش و بعد دیگران را تربیت کند، ان شاء الله روابطش را بعداً می‌گویم.

کسی که خودش را نساخته و تربیت نکرده است، اگر بخواهد دیگری را تربیت کند، نه تنها فایده ندارد، بلکه گاهی اثر عکس هم دارد. من قبلاً به اینها اشاره کرده‌ام. کسی که خودش مؤدب به آداب شرع و عقل نیست، نمی‌تواند دیگری را مؤدب به آداب شرع و عقل کند.

مقدم داشتن تربیت خود بر دیگران

در روایتی از علی (ع) است که حضرت فرمود: **أَفْضَلُ الْأَدَبِ مَا بَدَأْتُ بِهِ نَفْسِي** با فضیلت‌ترین تربیت‌ها این است که از خودت شروع کنی. اول برو خودت را تربیت کن! اگر توانستی به سراغ دیگران برو! چون فضیلت این بیشتر است.

حضرت در جمله‌ای دیگر می‌فرماید: **عَجِبْتُ لِمَنْ يَتَصَدَّى لِصَلَاحِ النَّاسِ وَ نَفْسُهُ أَشَدُّ شَيْءٍ فُسَاداً** در شگفتم از کسی که می‌خواهد زمام تربیت مردم را به دست گیرد و حال این که نفس خودش از نظر فساد و خرابی بدترین چیز است. اول برو خودت را آباد کن! نمی‌خواهد دیگری را آباد کنی!

باز در روایت دیگری از علی (ع) داریم که فرمود: **مَنْ سَاسَ نَفْسَهُ أَدْرَكَ السِّيَاسَةَ**، کسی که خودش را ساخته است، می‌تواند جامعه را بسازد و زمام امور جامعه را به دست بگیرد. **مَنْ سَاسَ نَفْسَهُ أَدْرَكَ السِّيَاسَةَ** سیاست تدبیر جامعه و سازندگی در سطح کلان است.

اینکه ما می‌گوییم «اول برو خودت را تربیت کن» در جمیع ابعاد وجودی به خصوص در بُعد نفسانی است، چون ما بُعد قلبی و بُعد عقلانی هم داریم. ان شاء الله بعداً وارد این مسائل می‌شویم. من الآن بحث را بر بُعد نفسانی، یعنی در رابطه با نفس که یک مجموعه از شهوت، غضب و وهم است، متمرکز می‌کنم.

انسانی که می‌خواهد نسبت به غیر مربی‌گری کند، باید ابتدا خودش را ساخته باشد تا بتواند مربی دیگری شود. در هر محیطی که باشد، فرقی نمی‌کند.

تربیت، سرلوحه دعوت انبیای الهی

از استاد(امام خمینی رضوان الله تعالی علیه) جملاتی را برایتان نقل می‌کنم. ایشان در رابطه با تأدیب نفس، در باب نفوس می‌فرماید: «آنچه که سرلوحه دعوت انبیای عظام است، تأدیب نفوس و تحدید هواهای نفسانی و روش رفتاری دادن به شهوت، غضب و وهم انسان‌ها است». یعنی انبیاء مرزبندی‌های الهیه را برای اعمال غضب و شهوت، بیان می‌کنند و می‌گویند: «انسان‌ها باید بر طبق آن مرزبندی‌ها تربیت شوند».

بعد ایشان می‌فرماید که بعضی‌ها گمان کردند که دعوت نبی اکرم(ص) دو جنبه دارد؛ دعوت به دنیا و دعوت به آخرت؛ دنیایی و اخروی به طور مطلق. به تعبیر ایشان چه بسا بعضی هم این را کمال نبوت فرض کردند. می‌فرماید: «اینها اصلاً از دیانت بی‌خبر هستند، نمی‌فهمند دین یعنی چه!»

ببینید ایشان چه قدر محکم می‌فرماید! بعد از این می‌فرماید: «دعوت به دنیا، از مقصد انبیا به کلی خارج است». جهت هم این است که حس شهوت و غضب و به تعبیر ایشان شیطان باطنی و ظاهری برای دعوت به دنیا کفایت می‌کند. آن کسی که دارد می‌رود، دیگر «هول دادن» ندارد. دعوت به دنیا، احتیاجی به قرآن و نبی ندارد؛ همان شهوت و غضب کافی است. پس انبیا برای چه آمدند؟ ایشان آمدند که مخلوقات را تربیت کنند.

کلام امیرالمؤمنین در مورد تربیت نفس

این مطالبی که ایشان گفتند، متخذ از معارف ما است، حالا من روایتی را از علی(ع) مطرح می‌کنم؛ دارد که حضرت فرمود: «التَّائِبُ مَجْبُولٌ عَلَى سَوَاءِ الْأَدَبِ»، نفس از نظر درونی، به قول ما جبالت و ساختارش بر سوء ادب و بی‌تربیتی استوار است. «وَالْعَبْدُ مَأْمُورٌ بِمُلازِمَةِ حُسْنِ الْأَدَبِ» و بنده هم از ناحیه خداوند مأمور است که نفس خود را خوب تربیت کند. «وَالْتَّائِبُ تَجْرِي بِطَبْعِهَا فِي مَيْدَانِ الْمُخَالَفَةِ» شهوت، غضب و وهم می‌خواهند به طور گسترده عمل کنند، یعنی هم از فرمان الهی و هم از فرمان عبد سرپیچی کنند، «وَالْعَبْدُ يَجْهَدُ بِرَدِّهَا عَنْ سَوَاءِ الْمُطَالَبَةِ»، درحالی که بنده مأمور است، نفسش را از خواسته‌های زشتی که دارد، باز دارد.

«فَمَتَى أَطْلَقَ عَنَانَهَا فَهُوَ شَرِيكٌ فِي فُسَادِهَا»، پس هر کس که مهار شهوت و غضب و وهم را رها کند، در فساد آنها شریک است. «وَمَنْ أَعَانَ نَفْسَهُ فِي هَوَى نَفْسِهِ فَقَدْ أَشْرَكَ نَفْسَهُ فِي قَتْلِ نَفْسِهِ» و هر کس که به نفس، در خواسته‌هایش کمک کند و هر چه که شهوت، غضب و وهم او می‌خواهد، به آنها بدهد، در خودکشی‌اش شرکت کرده است، یعنی خود کشی کرده است.

استاد ما می‌فرماید: «نه تنها کار انبیاء دعوت به دنیا نیست، بلکه تمام تلاش آنها برای بازداشتن از دعوت نفس، یعنی بی‌بند و باری شهوت و غضب و شیطان باطنی است». تعبیر ایشان که یک تعبیر علمی است، این است: «مأموریت انبیا این است که تقبید اطلاق شهوت و غضب کنند و تحدید موارد منافع دنیایی کنند. این طور نیست که هر جا نفس خواست، سر کند و هر جا که خواست رو برگرداند».

لذا علی(ع) در روایتی می‌فرماید: «ضبط النفس عند الرغبة و الرهب من أفضل الأدب» آنجایی که شهوت راغب است و آنجایی که می‌خواهد از خوبی رو برگرداند، مهارش را در دست بگیر! این عمل از بهترین تربیت‌ها است.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله مجتبی تهران